

(( صبر و حلم ))

در این موقع که نشریه (راه حق) تحت نظر یکی از پیروان حقیقت و فردی از صاحبان فضیلت منتشر می شود بنا بدخواست ایشان با اینکه دست معلوماتم بسته و خامه علم و اطلاع شکسته است جملات زیر را مینگارم تا دعوت رفیق صدیق اجابت گردد و از فرمان او مخالفت نشده باشد صبر . کسیکه با ناگواریها روبرو میشود و هدائد زندگی را متحمل میگردد از مصیبتها که بوی وارد میشود و نفس خویش را که بر ریاضت طاعت از او امر دین یا قوانین و مقررات کشور و امیدارد و از ارتکاب کارهای ناپسند و هر چه را که شرع یا قانون خلاف مصلحت فرد و اجتماع دانسته خودداری می کند و در تمام این موارد مانند کوهی ثابت که با دماهای سخت حوادث او را نمی لرزاند از ناملائمات طبیعت و سختیهای زندگی نمینالد و چون کودک از هر چه که برخلاف میل و خواهش او است اظهار جزع نمیکند چنین کس را ( صابر و خوبستن داری وی را از نالیدن در برابر سختیها ( صبر ) می نامند چون انسان بحسب طبیعت اجتماعی

است و برای او زندگی فردی میسر نیست باید با مردم آمیزش داشته باشد از طرفی میل و اراده و قوه شهوت و غضب دارد دلش میخواهد خانه خوب ، اثاثیه آبرومند . موقعیت و شخصیت ، نفوذ کلمه . داشته باشد همه مردم او را بدیده احترام بنگرند و حرفش را بپذیرند و درخواستش را بدون تاخیر عملی کنند تمام این چیزها در صورتیکه بدم موفقیت مواجه شود برای او ایجاد ناراحتی میکند دیگر آنکه در اوضاع زندگی انسان يك سلسله پیش آمدهائی میشود که جلوگیری از آن خارج از حدود قدرت بشر است گاهی مریض میشود یا فرزندش می میرد ، خانه اش میسوزد ، مال التجاره اش در دریا غرق میشود ، بزرگترها آفت می رسد در تجارت ضرر می بیند همچنین جهات مأمور است که صبر کند تا وضع زندگی او برای بی صبری وی مختل نشود و زندگی اجتماعی محفوظ بماند ( عقل )

قوه ایست ملکوتی در ذات و افعالش استقلال دارد و در ادراکات خود بکمک کارگران نفس از چشم و گوش و دست و پا و بینی نیازمند

نیست این قوه در انسان که بمنز قوه مقننه در يك کشور است بانس فرمان صبر میدهد و هر که فرم میدهد و هر که فرمان این فرمان را بپذیرد خردمند است و اگر نپذیرد عاقل نیست

خدای جهان که آفریننده جهان است هم هست بکمک این قوه از خار قوای دیگری را نیز مأمور فرم تا آنان با این قوه کمک کنند کشتی طوفان دیده پیروان این قوه را از امواج سهمگین اقیانوس بلا و شدتها رهائی دهند و بسلا بساحل نجات برسانند بزرگترین دینی که برای کس بشود و خردمندان بلکه بر آموزگاری عقل و عقلا از خود بزرگ برای لطفی که به بندگ دارد بما رسید دین مقدس است این آئین متین بمنظور ارشاد امر عقلی پیروان خود را امر صبر فرم حضرت صادق ( ع ) میفرما نسبت صبر با ایمان مانند نسبت بدن است همانظوریکه اگر سر از بدن جدا شود انسان بدو زندگ میگوید همچنین اگر کسی صبر نداشته ایمان ندارد

حضرت باقر (ع) میفرماید بد علی بن الحسین (ع) آخرین زمان حیات خویش مرا در آغوش کشید و گفت پسرك من ترا بچیزی وصیت میکنم که پدرم هنگام مرگ مرا وصیت کرد



این است که در راه حق و  
بیا داشتن حقیقت شکبیا باش  
چه تحمل مصیبتهایی که در  
راه بتو توجه میکند تلخ و  
زار باشد

جابر از حضرت باقر (ع)  
س نمود صبر جمیل چیست؟ آن  
ت بوی پاسخ فرمود صبریکه در  
شکایت بمردم نباشد

حلم یا خودداری از هیجان خشم  
بل زندگی برای کسیکه خواهان  
است ایجاد قدرت میکند مثلا  
آموزیکه تن بکار تحصیل داده  
میخوایها و ناراحتیها را در  
راه برده بمقامی رسید که جامعه  
چودش استفاده میکنند یا کسی  
دست استاد صنعتگر مشقتهای  
گرفتن صنعت را متحمل شده  
بن خود صنعتگری قابل ولایق  
به آمده است و بطور کلی هر کس  
هر رشته وارد کاری میشود پس  
چندی بخصوصیات کار آگاه  
دد این آگاهیها و اطلاعات  
آنان ایجاد قدرت مینماید و

بفر دیگر را تحت سرپرستی  
ک از آنان قرار میدهد که گفتارش  
ره آن چند نفر نافذ و فرمانش  
ی است در اینحال اگر این  
فرمانده کار فرما دانشمند  
استاد یا قدرتی که در یک  
بزرگ یا کوچک بمناسبت وضع

خود تحصیل کرده از لغزش زبردستان  
خوبش در گفتار و کردارشان در گذرد  
یا از خشم خود جلوگیری کند و  
با طرزی عاقلانه شخص خطاکار  
را کیفر دهد چنین شخص را حلیم  
و خوبشتن داری او را از هیجان خشم  
حلم میگویند

اگر از این مرتبه (مرتبه  
فردی) بالاتر برویم بمراحل اجتماعی  
نظر بیفکنیم می بینیم قانون هرا اجتماع  
برای افرادش حقوقی تعیین کرده  
و افراد از نظر اینکه افراد یک  
اجتماع هستند نیز دارای قدرتهای  
قانونی میباشند و این قدرتها برای  
آنان حقوقی را ایجاد میکند که  
یکی از آنها حق درخواست مجازات  
درباره متجاوز به حقوق است هرگاه  
شخص در اینگونه موارد هم از  
هیجان خشم خود جلوگیری کند از  
متجاوز در گذرد یا بشعوی عاقلانه  
درخواست مجازات او را از مقاماتی  
که برای مجازات و رسیدگی بان  
آماده هستند بخواهد بطلبند حلیمی  
خواهد بود

چون حام از صفات خوب انسانی  
است بجهت مزبور (عقل) ما را  
باین صفت امر میدهد و از ضد آن  
که سفه (دیوانگی) (بیباکی)  
باشد جلوگیری است. باز در این  
مورد دین اسلام بقائید فرمان عقل  
پیروان خود را بحلم و دوری از

سفه ترغیب و تهریب میفرماید حضرت  
رسول (ص) فرمود ما اعز الله بجهل  
قط ولا اذل بعلم قطلد ای هیچگاه  
کسی را بسبب نادانی عزیز و بسبب  
حلمش ذلیل نفرمود

حضرت امیر (ص) فرمود همت  
بلند مولود حلم است. حلم عشیره  
و قبیله انسان است

حضرت باقر (ص) فرموده  
خداوند دوستدار مرد حلیم است  
حضرت صادق (ص) فرمود  
کافیست آنکس را که تنها حلم یاورش  
باشد

حضرت صادق (ص) فرمود  
اذالم تکن حلیم فتنحلم اگر حلیم  
نباشی خرد را بعلم و ادار کن

حضرت صادق (ص) فرمود  
هنگامیکه بین دو نفر گفتگو شود  
دو فرشته نازل میگردند بکسیکه  
از این دو نفر دیوانگی و بیباکی  
کرده باینطور ملامت میکنند گفتی  
آنچه خواستی بگوئی تو شایسته هر  
آنچه گفتی هستی زود است بکیفر  
گفتار خویش برسی. و بکسیکه

از این دو نفر حلم بخرج داده میگویند  
زود است پیاداش حلم و آمرزش  
خداوندی نائل گردی و فرجام نیک  
این صفت رادربایی اما اگر هر دو  
آنچه خواستند بیکدیگر گفتند  
دو فرشته سعادت از نزد آنان میروند  
بقیه در شماره آینده